

در ارتباطات خاص گاهی از اوقات پیش‌بینی‌ها و آینده‌نگری‌های عجیبی می‌فرمودند که بی‌شباهت به غیب‌گویی و معجزه نداشت | آمریکا یک جریان تمامیت‌خواه است که همه چیز ما را می‌خواهد؛ نه تنها یک چیز، چطور با آمریکا صحبت می‌کردیم؟

سید احمد علم‌الهدی در خطبه های نماز جمعه مشهد؛



آیت‌ا [] سید احمد علم‌الهدی در خطبه های نماز جمعه مشهد اظهار کرد:

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم. در هفته‌ای که پشت سر گذاشتیم، مراسم و یادبود چهلمین روز تدفین امام شهید مظلوم ما در این کشور برگزار شد.

به گزارش اسپادانا خبر، امام جمعه مشهد افزود:

چهل روز از دفن امام ما گذشت. معمولاً افرادی که به رحمت خدا می‌روند، بعد از چهل روز، برای داغ‌دیدگان مسائل تا اندازه‌ای تسکین پیدا می‌کند؛ فقدان را می‌پذیرند و هجران را قبول می‌کنند و عزیزشان در زیر خاک قرار گرفته است، اما برای مردم داغ‌دیده ما نسبت به این امام شهید مظلوم، این مسئله قابل اجرا و تحقق نیست. کیست که آقا را فراموش کند و کیست که یادش برود؟ کدام دل است که در این داغ‌جان‌سوز آرام بگیرد؟ حتی بعد از چهلمین روز تدفین، سه چهار ماه بدن، بی‌غسل و بی‌کفن روی زمین ماند و بعد او را به خاک سپردند. چهل روز هم گذشت، اما هنوز آقا در دل‌های ما و در مغزهای ما وجود دارد و آتش داغش از درون ما شعله‌ور است. این آتش به یاد انتقام و خون‌خواهی مظلومانه این امام شهید مظلوم است که با این مظلومیت، با عزیزانش به شهادت رسید و صحنه‌ای از صحنه‌های کربلا را در این شهادت برای مردم ما مجسم کرد. این فراموش‌شدنی نیست و از یاد رفتنی نیست مخصوصاً انسان وقتی می‌نشیند و فکر می‌کند که ما چه چیزی را از دست دادیم، از ما چه گرفتند؟ چه کسی بود؟ چه چیزی بود؟ چه کسی را از ما گرفتند؟ مردم ما این حقیقت را از دست دادند؛ این واقعیت از دست ما رفت. چه کسی بود؟ چقدر بصیرت بود، چقدر ارزش بود، چقدر مقام بود، چه ثروت پاک‌ای از طهارت، علم، تقوا و دیانت بود که این‌گونه در عمرش مقابل ما درخشید؛ با درخشش خود ما را ساخت و با نور تابانکشی ما را بیدار و هشیار کرد، خواب را از چشمان مردم ما ربود، هم دشمن را به ما شناساند و هم حرکت در مقابل دشمن را به ما آموخت و دشمن‌ستیزی را به ما یاد داد. چه کسی بود این آقا؟ با توجه به ابعاد شخصیتی این امام مظلوم شهید، بعد از این چهل روز که بدن نازنینش را زیر خاک دفن کردیم و روی قبرش داریم پروانه‌وار می‌چرخیم، شناخت عمیقی از این آقا برای ما قابل توجه است.

امام جمعه مشهد ادامه داد:

اولاً امام شهید مظلوم ما عمر انقلابی‌اش از عمر انقلاب بیشتر بود. عمر انقلاب، اگر ما از ابتدای نهضت امام حساب کنیم، تقریباً ۵۲ یا ۵۳ سال است، اما عمر انقلابی مقام معظم رهبری شهید ۷۲ یا ۷۳ سال بود.

وی اظهار کرد:

در سن ۱۴ سالگی ایشان با مرحوم نواب صفوی در مشهد ملاقات و دیدار کردند، در حالی که ۱۴ سال بیشتر سن مبارکشان نبود. فرمودند: بنا بود نواب در مدرسه سلیمان‌خان سخنرانی کنند. من خودم را آنجا رساندم. آخر سخنرانی مرحوم نواب که

تمام شد، جمعیت مقابل او می‌رفتند. من هم با جمعیت مقابل او رفتم. یک نگاه تند و تیزی نواب به صورت من کرد و گفت: «احسنت، آقازاده کوچک که آمد.» ایشان می‌فرمودند فردا قرار بود مرحوم نواب در مدرسه نواب سخنرانی کند. ما به مدرسه نواب رفتیم. مدرسه را فرش کرده بودند و آماده تشریف‌فرمایی ایشان بودند. سر وعده نیامدند و گفتند ایشان در مهدیه مرحوم حاجی عابدزاده سخنرانی دارند و سخنرانی طول کشیده است. ایشان گفتند ما با یک دسته از طلبه‌ها راه افتادیم به طرف مهدیه تا به استقبال مرحوم نواب برویم و به ایشان برسیم. فرمودند: وسط راه، من مرحوم نواب را دیدم که جلوی جمعیت بود و اطرافش را جمعیت فداییان اسلام گرفته بودند. در مسیر، به کسی برخورد می‌کرد که کراوات به گردنش زده بود، به او می‌گفت: «برادر، این بند را دشمن به گردن تو آویخته است؛ این بند را از گردن خودت باز کن.» به کسی می‌رسید که کلاه شاپو بر سر داشت، می‌گفت: «برادر، این کلاه را دشمن بر سر تو گذاشته است؛ تو خودت این کلاه را بردار.»

علم الهدی گفت:

ایشان می‌فرمودند وقتی نواب این جمله را می‌گفت، آدم کراوات خودش را باز می‌کرد، مجاله می‌کرد و در جیبش می‌گذاشت؛ کلاه شاپو را از سرش برمی‌داشت، مجاله می‌کرد و کنار می‌انداخت یا آن را در جیبش می‌گذاشت. تا این اندازه تحت تأثیر نفوذ کلام نواب قرار می‌گرفت. فرمودند این نواب با این نفوذ کلام، در من اثری گذاشت که جرقه انقلاب اسلامی را در من روشن کرد. عین عبارتی که می‌فرمودند این بود: «همان وقت جرقه‌های انگیزش انقلاب اسلامی به وسیله نواب صفوی در من به وجود آمد» و هیچ شکی ندارم که اولین آتش را مرحوم نواب در دل ما روشن کرد. ایشان از آن روز، در سن ۱۴ سالگی، به عنوان یک شخصیت انقلابی وارد حرکت شد و در مسیر طلبگی با ایده انقلاب اسلامی حرکت کرد؛ چراکه مرحوم نواب تمام ادعایش این بود که حاکمیت کشور باید به دست مقام ولایت باشد و جز حاکمیت ولایت، حاکمیت دیگری را قبول نداریم. این منطق، مقام معظم رهبری را در مسیر انقلاب اسلامی راه انداخت؛ به گونه‌ای که در تمام زندگی، با در اختیار داشتن استعدادی فوق‌العاده و درخشان، فعالیت‌های علمی و تحصیلی خود را در مسیر انقلاب به راه انداختند به گونه‌ای بود که ایشان زمانی که رهبر انقلاب شدند، یک علامه بودند؛ یعنی از هر فنی خدمت ایشان صحبت می‌شد، ایشان مشغول صحبت می‌شدند و مطلب می‌گفتند. در هر موردی که پیش می‌آمد، ایشان سخن می‌گفتند. افرادی که خدمت ایشان می‌رسیدند، در تمام مسائلی که مطرح می‌کردند، مقام معظم رهبری بسیار واردتر، قوی‌تر و نافذتر عمل می‌کردند. ایشان در علوم غریبه وارد بودند. در ارتباطات خاص گاهی از اوقات پیش‌بینی‌ها و آینده‌نگری‌های عجیبی را ایشان می‌فرمودند که بی‌شبهت به غیب‌گویی و معجزه نداشت. داماد عزیز ایشان که با ایشان به شهادت رسید، آقای دکتر مصباح باقری، دچار یک بیماری شده بود؛ بیماری چهار هاضمه گرفته بود و بیماری خطرناکی بود. خودش نقل می‌کرد و برای ما گفت: من یک روزی خدمت آقا عرض کردم: آقا، من در این بیماری از بین می‌روم و عزیزانم را به شما می‌سپارم. آقا فرمودند: «تخیر، این‌طور نیست. شما از این بیماری نجات پیدا می‌کنید، خوب می‌شوید. من و تو با هم شهید می‌شویم.» این حرف را حداقل ۱۵ یا ۱۶ سال قبل از شهادت ایشان به آقای دکتر مصباح باقری زده بودند که از این کسالت نجات پیدا می‌کنی و ما با هم شهید می‌شویم. از این نمونه‌ها از مقام معظم رهبری در عرصه زندگی‌شان کم شنیده نشده است که به خاطر آن صفای باطن و پاکی روح و دل بود که برای ایشان ارتباط به وجود آورد و ارتباطاتی را ایجاد کرده بود. گاهی از اوقات افراد خدمت ایشان می‌رسیدند و از ایشان تقاضای دعا می‌کردند. ایشان دعاهای مخصوصی داشتند؛ یعنی برای هر کس که می‌خواستند دعا کنند، به گونه‌ای دعا می‌کردند که آینده خودش را در دعای آقا می‌دید. یک آقای را بنده معرفی کردم خدمت آقا. جوانی بود. آقا فرمودند: «خدا ایشان را حفظ کند.» باز فرمودند: «خدا ایشان را حفظ کند.» دفعه سوم هم فرمودند: «خدا ایشان را حفظ کند.» بنده گفتم هرچه هست، یک خطری در پیش تو، در معرض انحرافی قرار گرفتی، در وضعیتی قرار گرفتی که خطرناک است. آقا سه بار فرمودند: «خدا شما را حفظ کند.» دعاهایشان این‌گونه بود که گاهی از اوقات در یک دعا، آینده طرف را روشن می‌کردند.

امام جمعه مشهد اظهار کرد:

پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، می‌خواست به ایران بیاید. قبلاً، خدا رحمت کند، مرحوم آقای رئیسی به ایشان گفته بود که آیا من می‌توانم با رهبری ملاقات کنم و به ایران بیایم؟ ایشان فرمودند بله، مانعی ندارد و آقا اجازه فرمودند. وقتی که آمده بود و از ایران برگشت، خبرنگاران با او مصاحبه کردند و گفتند رهبر ایران را چگونه دیدی؟ گفت: من مسیح را ندیدم، احوالات مسیح و تعریف مسیح را در انجیل شنیدم و خواندم، اما وقتی به ایران رفتم، رهبر ایران را مسیح دیدم. یک شخصیت با این عظمت، و لذا او می‌گوید من مسیح را در رهبری ایران دیدم و اینجا مسیح برایش مجسم شده، آن هم در جلوه آقا؛ چنین شخصیتی چهل روز زیر خاک رفت؛ مثل پروانه دور قبرش می‌چرخیم. این درد، این مصیبت نیست؛ در سازندگی غوغا بود. هم جامعه‌ساز بود و هم فردساز.

امام جمعه مشهد افزود:

این خاطره را خودشان برای من نقل کردند. فرمودند وقتی من در مشهد درس می‌دادم، در درس من دو طلبه افغانی بودند. من در سیمای این‌ها یک رشادتی حس کردم. یک روز به این‌ها گفتم بیایید منزل، با شما کار دارم. این‌ها آمدند خانه. گفتم من در سیمای شما یک رشادتی دیدم که یک کار مهمی را انجام خواهید داد و من یک نوشته‌هایی دارم، مطالبی دارم؛ اگر بخواهید، با هم بنشینیم، گفت‌وگو کنیم و بحث کنیم. فرمودند این‌ها می‌آمدند در خانه پیش من و درباره مسائل انقلاب و مباحث انقلاب، در روزگاری که افغانستان در ید اتحاد جماهیر شوروی بود و کمونیست‌ها مسلط شده بودند، با این‌ها صحبت می‌کردند. این‌ها از ایران رفتند افغانستان و توانستند یک حزب را در میان شیعیان افغانستان به عنوان مبارزه با کمونیستی به وجود بیاورند. پیدایش این حزب، نقطه نطفه تشکیل لشکری بر ضد شوروی و به عنوان قیام در مقابل استعمار شرق به راه افتاد و این جریان باعث شد شوروی شکست بخورد، از افغانستان خارج شود و مردم افغانستان از افکار الحادی و کفر کمونیستی نجات پیدا کنند. آن دو طلبه هم در این جنگ به شهادت رسیدند. قدرت سازندگی مقام معظم رهبری این بود. ما روزی که امام از دنیا رفتند، مقاومت ما تازه شروع شده بود. در حزب [] لبنان کسی فکر نمی‌کرد حلقه مقاومت در کشورهای شیعه‌نشین به وجود بیاید.

مقام معظم رهبری در مقام تأسیس مقاومت در کشورهای شیعه‌نشین به وسیله شیعیان اقدام فرمودند.

امام جمعه مشهد بیان کرد:

مردم فکر می‌کردند این مقاومت صرفاً یک اندیشه سیاسی است که در کشورهای اسلامی رسوخ کرده، اما روزی که بنای جنگ و درگیری و مقابله شد، معلوم شد این مقاومت یک جریان رزمنده، پویا و زنده است که مقام معظم رهبری در کشورهای شیعه ایجاد کردند و این‌ها پای جنگ ایستادند، پای فداکاری ایستادند و هماهنگ با رأس مقاومت که این کشور است، ایستادگی می‌کنند و دشمن مشترک را به زانو درمی‌آورند. هر شما از یمن قهرمان می‌شنوید، از حزب الله مقاوم لبنان که با همه مخالفت‌ها مرد و مردانه ایستاده می‌شنوید، از حشدالشعبی قهرمان، پر قدرت و متصلب عراق می‌شنوید، این جریان مقاومت ساخته و پرداخته تربیت و دست این رهبر عظیم الهی و آسمانی است که در این کشور بهترین جریان‌ها را به وجود آورد و این جریان را ایجاد و ساخت. قدرت سازندگی مقام معظم رهبری این بود و از همه بالاتر، من و شما ساخته شدیم. الان شش ماه است مقام معظم رهبری به شهادت رسیدند، اما در این شش ماه شما پرچم‌ها و تجمعات را رها نکردید، ایستادید، مرد و مردانه و قهرمانانه مقاومت می‌کنید و می‌گویید ما خونخواه و جان‌فداییم تا آن روزی که انتقام مظلومیت این رهبر را بگیریم و خونخواهی نکنیم، دست از این حرکت برنمی‌داریم. بیداری را طبق قلم شکسته ناپاک، در داخل و خارج ترویج می‌کنند و می‌گویند مقام معظم رهبری رهبر جنگ بوده، رهبر ستیز بوده و رهبر نبرد بوده است؛ در حالی که توجه نمی‌کنند مقام معظم رهبری قریب ۳۰ سال با بازدارندگی تمام و کمال، آمریکا را به صورت یک سگی اطراف کشور واداشت پارس کند و جرئت نزدیک شدن نداشته باشد. این قدرت رهبری بود.

وی گفت:

بحث این نبود که آمریکا از امروز اول بخواهد حمله کند. ۳۰ سال است می‌خواهد حمله کند. کدام رئیس‌جمهور آمریکا بوده که نگفته پروژه نظامی هم روی میز است؟ همه آن‌ها گفتند و همه آن‌ها می‌خواستند. به اینجا و در این مرحله رسیدند که دیدند اصلاً تمام استعمار و تمام قدرت امپراتوری جهانی‌شان در معرض خطر افتاده است. بدبخت‌ها اشتباه کردند، دست به جنگ زدند و با جنگ خودشان را بدبخت کردند. از عزیزان ما، ندانسته، گاهی اوقات بعضی جملات را به زبان می‌رانند که ما با آمریکا می‌توانستیم جور دیگری رفتار کنیم. چطور رفتار کنیم؟ مگر ما با آمریکا امروز رسیدیم؟ ۷۰ سال است با آمریکا دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا امروز، بیش از ۷۰ سال است ما با آمریکا در حال چالش و کشمکش هستیم. بردند، خوردند، چاپیدند، دزدیدند، عزیزان ما را کشتند، مردم ما را شکنجه دادند، یک ربع قرن مردم ما را به استثمار و بدبختی و استعمار کشاندند. بعد هم با همه توطئه‌ها، جنایت‌ها و بیدادگری‌ها علیه نظام ما، انقلاب ما و خواسته مردم ما، مردم قیام کردند و دارند قیام می‌کنند. مگر ما امروز به آمریکا رسیدیم که بهتر از این می‌توانستیم با آمریکا برخورد کنیم؟ یعنی با آمریکا بهتر برخورد کنیم؛ چه کار کنیم؟ از برجام بیشتر برخورد کنیم؟ برجام را خودتان ایجاد کردید. مگر قراردادهایی که بستید بسیج زدند؟ مگر غیر از این بود؟ مگر واقعاً این ۲۵ سال چکمه به پاهای آمریکایی را روی دوش مردم فراموش کردید؟ سابقه‌اش را فراموش کردید؟ این‌ها چقدر جنایت کردند؟ چه می‌کردیم غیر از این با آمریکا که آمریکا آرام می‌گرفت؟

علم الهدی افزود:

آمریکا یک جریان تمامیت‌خواه است که همه چیز ما را می‌خواهد؛ نه تنها یک چیز. معدن ما را می‌خواهد، ثروت ما را می‌خواهد، انسان‌های ما را می‌خواهد، افکار برجسته ما را می‌خواهد، استعدادهای درخشان جوانان ما را می‌خواهد و از همه بالاتر، دین ما را می‌خواهد که ما از دینمان هم دست برداریم. این خواسته آمریکاست و به یک چیز ختم نمی‌شود. چطور با آمریکا صحبت می‌کردیم؟ چطور با آمریکا حل می‌کردیم؟ در عرصه‌های بازدارندگی و دیپلماسی، راهی نبود مگر اینکه مقام معظم رهبری پیمودند. ۳۰ سال در بازدارندگی، آمریکایی‌ها را پشت در نگه داشتند و سیاست بازدارنده رهبری بود که آمریکا قبل از این دست به کار جنگ نشد و در استیصال دست به کار جنگ شد و با جنگ هم جوری انجام گرفت که خودش را بدبخت کرد.

وی بیان کرد:

خدایا، عزیز و آقای ما را از ما گرفتند، اما خدا، تو را از ما نگرفته‌اند. تو خدای ما هستی، ما هم خدا داریم، هم امام زمان داریم. امام زمان ما را از ما نگرفتند و نمی‌توانند بگیرند. «لَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُوكُمُ حَتَّىٰ يَرْدُوكُمْ أَوْ يَكُونُوا لَكُمْ رُجُلًا أَوْ يَسْتَأْذِنُوا». این‌ها می‌خواهند شما را برگردانند از دینتان، اگر بتوانند و نمی‌توانند بگیرند، امام زمان را از ما نمی‌توانند بگیرند. خدایا، آن عنایت و لطفی که تو داشتی که ۳۶ سال این رهبر را بالای سر ما نگه داشتی و همه خصوصیات ما، عزت ما، عظمت ما، قدرت ما و قدرت دین و مذهب ما را این رهبر کاملاً حفظ کرد، خدایا همچنان تا آن روزی که پرچم پرافتخار «نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» آقا و صاحب آن، امام زمان(عج)، به اهتزاز دربیاید در دنیا، خدایا با همان عزت تا آن روز ما را حفظ کن و این عزت را به آن عزت جهانی که وجود اقدس مولا امام زمان(عج) ایجاد خواهند کرد، پروردگارا متصل بفرما.

امام جمعه مشهد دعا کرد که خدایا فرج مولای ما، بقیةالله(عج)، که فرج از تمام غصه‌ها، غم‌ها، مصائب و گرفتاری‌هاست، فراهم بفرما.

برچسب ها: [نماز جمعه](#) [1]

[رهبر انقلاب](#) [2]

[جنگ](#) [3]

